



فرایند برنامه ریزی درسی آموزش عالی در ایران: فرصت‌ها؛ چالش‌ها

1- حامد کمالی^۱

2- زهرا کمالی

3- بهزاد براهویی

دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت و برنامه ریزی آموزش عالی دانشگاه شهید بهشتی تهران

مدیر آموزش دانشگاه علمی کاربردی واحد دادگستری استان فارس

دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه ریزی درسی دانشگاه شهید بهشتی تهران

چکیده

برنامه درسی اصلی‌ترین عنصر نظام آموزش عالی و بنیادی‌ترین ابزار برای فراهم‌آوری دانش، تجربه و مهارت دانشجویان برای عرضه خدمات به جامعه است. لذا تصمیم‌گیری در مورد فرایند تدوین و بازنگری آن باید به درستی صورت گیرد. بر این اساس هدف از این پژوهش بررسی فرایند تدوین و بازنگری برنامه درسی در عمل و چالش‌ها و فرصت‌های حاصل از نوع فرایند در گروه‌های علوم پایه، انسانی و فنی-مهندسی می‌باشد. روش پژوهش حاضر توصیفی-تحلیلی است که به صورت کیفی انجام گرفت و جهت جمع‌آوری اطلاعات از مصاحبه نیمه ساختارمند استفاده گردید. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه مدیران زیرگروه‌های گروه علوم پایه، مهندسی و انسانی دانشگاه شهید بهشتی می‌باشد. برای انتخاب نمونه از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد و مصاحبه با مدیران گروه‌های آموزشی تا زمان دست‌یابی محقق به اشباع نظری به طول انجامید. نتایج نشان داد فرایند تدوین و بازنگری برنامه درسی در هر سه گروه به صورت نیمه متمرکز است. با این تفاوت که در علوم پایه و علوم انسانی، فرایند به صورت سلسله‌مراتبی اما در گروه مهندسی به شکل تعاملی می‌باشد. گروه علوم مهندسی چالشی را گزارش نکردند اما گروه علوم پایه چالش زمان و گروه علوم انسانی علاوه بر آن، چالش‌های محتوایی را نیز ذکر کردند. همچنین گروه‌های علوم پایه و فنی مهندسی شکل‌گیری چهارچوب و قاعده و منسجم شدن برنامه را فرصت حاصل دانستند و گروه علوم انسانی تنها به شکل‌گیری چهارچوب و قاعده اشاره کردند.

کلید واژگان: برنامه درسی، آموزش عالی، علوم انسانی، علوم پایه، علوم فنی مهندسی

مقدمه

برنامه درسی جوهره هر نوع آموزشی است که در ترکیب با روش‌های موثر تدریس، کارامدی و و اثر بخشی نظام آموزشی را تضمین می‌کند. از این روی تعیین ساختار بهینه نظام برنامه ریزی درسی و انتخاب و سازماندهی محتوا از جمله دل‌مشغولی‌های سیاستگذاران نظام‌های آموزشی بوده است. این مهم در آموزش عالی اهمیتی مضاف می‌یابد زیرا برنامه درسی آموزش عالی ابزار علمی و اجتماعی نیرومندی است که ضمن ترسیم چگونگی و حدود انتقال دانش و مهارت‌ها، تجربه وسیع علمی برای دانشجویان محسوب می‌شود (سرمد و وزیری، 1377). در حقیقت برنامه درسی دانشگاهی تجربیات آکادمیک رسمی شده‌ای است که به صورت دوره‌ها یا برنامه‌های مطالعاتی تدوین شده‌اند و شامل کارگاه‌های آموزشی، سمینارها، دانش‌های نظری، سخنرانی‌ها و تجربیات عملی می‌باشد که معمولاً به شکل سه نوع دروس عمومی، اختیاری و تخصصی ارائه می‌شوند (جف، 1996^۲). این

¹. hamed.kamali80@gmail.com

². Gaff

برنامه‌ها از جمله عوامل و عناصری است که در تحقق بخشیدن به اهداف آموزش عالی نقش بسزایی دارد (آلتباخ،^۳ 1988). زیرا اصلی‌ترین و بنیادی‌ترین ابزار برای فراهم‌آوری دانش، تجربه و مهارت دانشجویان برای عرضه خدمات به جامعه است (نیلی و همکاران، 1389). از این رو تصمیم‌گیری در مورد چگونگی تدوین آن باید به درستی صورت گیرد. در نتیجه می‌توان گفت یکی از مقوله‌هایی که در حوزه برنامه‌درسی بیشترین کاربرد را دارد مقوله تدوین برنامه درسی است. (فتیحی، 1386). این مقوله یک فرایند یا نظام اجتماعی است. در این فرایند افراد و گروه‌های متعددی تاثیر گذارند اما باید توجه داشت که اساسا ترکیب تصمیم‌گیرندگان و میزان تاثیر گذاری افراد و گروه‌ها در نظام برنامه‌ریزی درسی به نظام سیاسی کشورهای بستگی دارد (سراجی، 1386). و هر کشوری با توجه به شرایط خود مشخص می‌کند که کدام وضعیت؛ تمرکز، عدم تمرکز و یا نیمه تمرکز را در تصمیم‌گیری‌های خود مناسب می‌داند (تموکنگ،^۴ 1382). در ایران طی سال‌های اخیر تلاش‌هایی در خصوص تمرکز زدایی در دانشگاه‌ها صورت گرفته است. هم‌اکنون دانشگاه‌ها مسیری را تجربه می‌کنند که از سال 59 آن را به دست فراموشی سپرده بودند. لذا بعد از 20 سال رخوت و تمرکز که همه چیز از وزارت علوم، تحقیقات و فناوری ابلاغ می‌شد، حرکت آرام و بطنی دانشگاه‌ها برای استفاده از اختیارات واگذار شده امری بدیهی است. تهیه و تدوین آیین‌نامه واگذاری اختیارات تدوین و بازنگری برنامه‌ریزی درسی به دانشگاه‌ها از جمله این تلاش‌هاست. این آیین‌نامه که در تاریخ 79/2/10 به کلیه دانشگاه‌های دارای هیئت ممیزه ابلاغ شد، گامی بود در جهت تمرکز زدایی و نهادینه کردن مشارکت دانشگاه‌ها در برنامه‌ریزی درسی که در نهایت ارتقای کیفیت آموزش عالی را موجب گردد (ایمانی، 1381). اینک بحث اساسی، با وجود سیاستگذاری در جهت تمرکز زدایی در برنامه‌ریزی درسی و مشارکتی کردن آن، چگونگی فرایند تدوین و بازنگری برنامه‌درسی دانشگاهی در عمل و چالش‌ها و فرصت‌های حاصل از این فرایند می‌باشد. نوروززاده و همکاران (1385) با پژوهش در خصوص «بررسی وضعیت سهم مشارکت دانشگاه‌ها در بازنگری برنامه‌درسی مصوب شورای عالی برنامه‌ریزی» چنین نتیجه‌گیری می‌کنند که سهم واگذاری بازنگری برنامه‌درسی دانشگاه‌های دارای هیئت ممیزه بیشتر است، همچنین بیشترین سهم واگذاری بازنگری برنامه‌درسی به گروه علوم انسانی و کمترین به گروه هنر تعلق دارد و در نهایت بیشترین سهم واگذاری بازنگری برنامه‌درسی به دانشگاه‌های مستقر در تهران به ویژه دانشگاه تهران تعلق دارد. همچنین نتایج حاصل از تحقیق خسروی و همکاران (1392) در مورد «آسیب‌شناسی نوآوری در مدل‌های مختلف برنامه‌درسی آموزش عالی» نیز نشان داد که آیین‌نامه واگذاری اختیارات برنامه‌ریزی درسی به دانشگاه‌ها در عمل مورد پذیرش قرار نگرفته و همچنین نوآوری‌های برنامه‌درسی در آموزش عالی برای اجرا باید به مولفه‌های متعددی توجه داشته باشد. کریمی و همکاران (1392) نیز در تحقیقی که با عنوان «چالش‌های طراحی برنامه‌درسی آموزش عالی با رویکرد جامعه‌یادگیری» انجام دادند یافته‌های پژوهش نشان داد طراحی برنامه‌درسی آموزش عالی با رویکرد جامعه‌یادگیری با چالش‌های عدم شناسایی نیازهای واقعی دانشجو و جامعه و بازنگری برنامه‌درسی متناسب با تحول در این نیازها، پیش‌بینی نکردن امکان انعطاف در برنامه‌درسی، تمایل به تمرکزگرایی در تدوین برنامه‌های درسی، وجود برخی مشکلات در کمیته‌های برنامه‌ریزی درسی درون وزارتخانه و دانشگاه‌ها و عدم وجود ارتباط درونی میان برنامه‌درسی آموزش عالی و مقاطع قبل از آن روبروست. از این روی در این مقاله با توجه به اینکه یکی از مقوله‌هایی که در برنامه‌درسی بیشترین کاربرد را دارد مقوله تدوین برنامه‌درسی است و با در نظر گرفتن اهمیت برنامه‌درسی در تحقق بخشیدن به اهداف آموزش عالی، تلاش خواهد شد وضعیت موجود فرایند برنامه‌ریزی درسی و چالش‌ها و فرصت‌ها پیش‌روی حاصل از این فرایند در گروه‌های علوم انسانی، پایه و فنی مهندسی مورد بررسی و مقایسه قرار گیرد. با این امید که با شناسایی شکاف بین وضع موجود و مطلوب راهکارهایی در جهت دست‌یابی به وضع مطلوب ارائه گردد. در این راستا این پژوهش به دنبال پاسخگویی به سوالات زیر می‌باشد

³. Altbach

⁴. Tomukong

فرایند تدوین و بازنگری برنامه درسی در گروه های علوم انسانی، علوم فنی و علوم پایه از دیدگاه مدیران زیرگروه های این گروه ها، چگونه است؟

چالش ها و فرصت های حاصل از نوع فرایند تدوین و بازنگری برنامه درسی در گروه های علوم انسانی، علوم فنی و علوم پایه از دیدگاه مدیران زیر گروه های این گروهها، چیست؟

روش تحقیق

روش پژوهش حاضر از لحاظ هدف کاربردی و از لحاظ جمع آوری داده ها توصیفی - تحلیلی است که به صورت کیفی انجام گرفت و جهت جمع آوری اطلاعات از روش مصاحبه نیمه ساختار مند استفاده گردید. جامعه آماری پژوهش شامل تمامی مدیران زیرگروه های علوم پایه، علوم انسانی و علوم فنی - مهندسی دانشگاه شهید بهشتی می باشد. برای انتخاب نمونه از روش نمونه گیری هدفمند استفاده شد و مصاحبه با مدیران گروه های آموزشی در هر سه گروه علوم پایه، علوم فنی و علوم انسانی تا زمان دست یابی محقق به اشباع نظری به طول انجامید که 8 نفر می باشند. سپس اطلاعات حاصل از مصاحبه با استفاده از روش تحلیل محتوا تجزیه و تحلیل گردید.

یافته ها و بحث

سوال اول پژوهش : فرایند تدوین و بازنگری برنامه درسی در گروه های علوم پایه، مهندسی و انسانی چگونه است ؟

نتایج حاصل از مصاحبه ها نشان داد فرایند تدوین و بازنگری برنامه درسی در علوم انسانی و پایه به صورت نیمه متمرکز سلسله مراتبی و در علوم مهندسی نیمه متمرکز تعاملی می باشد. نیمه متمرکز سلسله مراتبی بدین معناست که نهادهای تصمیم گیر در این فرایند به صورت سلسله مراتبی به ایفای نقش می پردازند و هر نهاد وظیفه خود را به انجام رسانده و جهت بررسی به دیگر نهاد مربوطه ارجاع می دهد. این فرایند از تدوین و یا بازنگری برنامه در گروه های آموزشی شروع شده و به ترتیب به شورای دانشکده، شورای برنامه ریزی آموزشی و درسی دانشگاه، شورای دانشگاه و دفتر برنامه ریزی آموزش عالی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری جهت طرح و بررسی ارائه می گردد. لازم به ذکر است برنامه های درسی مربوط به رشته های علوم انسانی جهت بررسی و تصویب نهایی به شورای تحول علوم انسانی ابلاغ می گردد اما برنامه های درسی علوم پایه و مهندسی توسط دفتر برنامه ریزی آموزش عالی تصویب و جهت اجرا به دانشگاه ابلاغ می گردد. فرایند نیمه متمرکز تعاملی که در گروه های فنی مهندسی به کار گرفته می شود بدین معناست که این فرایند به شکل تعاملی بین نهادهای تصمیم گیر در این خصوص صورت می پذیرد. این فرایند بدین شکل می باشد که دفتر برنامه ریزی آموزش عالی در وزارت علوم اقدام به تشکیل کمیته ای متشکل از صاحب نظران رشته مربوطه نموده و جلساتی را با آنها در خصوص بحث و بررسی مسائل روز رشته برگزار می نماید. سپس کمیته ی صاحب نظران اقدام به تشکیل کارگروه تخصصی متشکل از خبرگان رشته مربوطه می نمایند و وظیفه تهیه پیشنهاد برای برنامه درسی جدید یا بازنگری برنامه درسی را به آنها محول می نماید. کارگروه تخصصی پس از تهیه پیش نویس برنامه درسی، برنامه را به گروه های آموزشی در دانشگاه های هیئت ممیزه ابلاغ نموده و پس از دریافت بازخوردهای آنها، اقدام به اصلاح و تدوین برنامه نهایی کرده و جهت تصویب نهایی به دفتر برنامه ریزی آموزش عالی ارجاع می دهد و دفتر مربوطه پس از تصویب، برنامه را جهت اجرا به دانشگاه ها ابلاغ می نماید. بر این اساس نتایج بیانگر این نکته می باشد که در هر سه گروه وضعیت موجود فرایند تدوین و بازنگری برنامه درسی در مغایر با وضع مطلوب مشخص شده در قالب تفویض اختیارات برنامه ریزی درسی به دانشگاه ها در راستای تمرکز زدایی می باشد. چرا که در این آیین نامه کلیه اختیارات تدوین و بازنگری برنامه به دانشگاه های دارای هیئت ممیزه تفویض گردیده و تنها نقش وزارت علوم، تحقیقات و فناوری نظارت بر میزان اجرای این آیین نامه توسط دانشگاه ها می باشد. این نتایج با تحقیق خسروی و همکاران (1392) و نوروززاده و همکاران (1385) همخوانی دارد.

سوال دوم پژوهش: چالش ها و فرصت های حاصل از نوع فرایند تدوین و بازنگری برنامه درسی در گروه های علوم پایه، علوم مهندسی، علوم انسانی چیست؟

پس از تجزیه و تحلیل نتایج مصاحبه ها مشخص گردید گروه علوم مهندسی در طی فرایند برنامه ریزی درسی که مشخص گردید به صورت نیمه متمرکز تعاملی است، با هیچگونه چالشی مواجه نمی باشد. از دلایل این موضوع مواردی از جمله عدم نیاز ماهیت رشته های گروه مهندسی به تغییرات کوتاه مدت و همچنین کوتاه بودن زمان این فرایند در صورت نیاز به تدوین برنامه جدید یا بازنگری برنامه موجود ذکر گردید. به نحوی که مدت زمان این فرایند حدودا 2 سال به طول می انجامد. در صورتی که نیاز به تدوین برنامه و بازنگری برنامه درسی در این گروه ها هر 9 سال یک بار بیان گردید. همچنین در مورد فرصتهای حاصل از این نوع فرایند، ایجاد چهارچوب و قاعده و جلوگیری از هرج و مرج و همچنین انسجام برنامه به دلیل تعدد نهادها و تعاملی بودن فرایند بیان گردید. در گروه علوم پایه نیز نتایج مشابهی به دست آمد با این تفاوت که این گروه ها تنها چالش فرایند نیمه متمرکز سلسه مراتبی را زمان بر بودن فرایند ذکر کردند اما با توجه به عدم نیاز ماهیت رشته به تغییرات کوتاه مدت، این چالش خطر آفرین و تهدید کننده برای برنامه درسی محسوب نمی شود. اما درخصوص گروه علوم انسانی حکایت متفاوت می باشد. در گروه های علوم انسانی چالش های زیر مشخص گردید.

چالش زمان بر بودن: از نتایج تجزیه و تحلیل اطلاعات حاصل از مصاحبه همه مدیران گروه های رشته علوم انسانی که مورد مصاحبه قرار گرفته اند مشخص گردید فرایند تدوین و بازنگری برنامه 4 سال به بالا به طول می انجامد و این مورد با توجه به نیاز ماهیتی رشته به تغییرات کوتاه مدت باعث مشکلاتی همچون منسوخ شده برنامه در زمان اجرا شده است.

چالش های محتوایی: از تجزیه و تحلیل اطلاعات بدست آمده مشخص گردید مدیران گروه های مصاحبه شونده همگی معتقدند به دلیل تعدد نهادی های تصمیم گیر در فرایند تدوین و بازنگری برنامه درسی و بعضا عدم تخصص و آشنایی اکثریت اعضاء این نهاد ها با ادبیات خاص رشته های علوم انسانی، زمینه پدیدار آمدن چالش های محتوایی از جمله تغییر شکل برنامه درسی پیشنهاد شده، به وجود آمدن تعارض دیدگاه، القا نظرات کارشناسی نشده و حاصله از منیت برخی اعضاء نهادها به وجود آمده است که خود این چالش ها باعث ایجاد عواملی همچون کاربردی نبودن محتوای برنامه در اجرا، عدم تطبیق برنامه با نیاز فراگیر و مقاومت در اجرای آن توسط گروه های آموزشی شده است. همچنین تنها فرصت ذکر شده در علوم انسانی تعیین چهارچوب و قاعده بیان گردید. بر این اساس نتایج به دست آمده در خصوص چالش های فرایند برنامه ریزی درسی در علوم انسانی با بررسی های کریمی و همکاران (1392) مشابهت دارد.

در جمع بندی کلی مشخص گردید در گروه های علوم پایه و فنی مهندسی گرچه فرایند برنامه ریزی متناسب با وضع مطلوب مشخص شده در سیاستگذاری ها یعنی آیین نامه تقویض اختیارات برنامه ریزی درسی به دانشگاه های هیئت ممیزه نیست. اما این به معنای عدم مناسب نبودن وضع موجود نیز نمی باشد. در نتیجه نه تنها شکافی بین وضع موجود و مطلوب فرایند تدوین و بازنگری برنامه درسی مشخص شده در سیاستگذاری ها وجود ندارد بلکه طبق یافته ها مشخص گردید وضع موجود بهتر از وضع مطلوب تعیین شده می باشد. اما وضعیت در مورد گروه علوم انسانی متفاوت می باشد. در این گروه ها بنا به دلایلی که اشاره گردید، مشخص شد فرایند موجود تدوین و بازنگری برنامه درسی اثربخش نیست و با چالش های زیادی مواجهه است. به نظر می رسد در این گروه ها فرایند نیمه متمرکز تعاملی مانند گروه مهندسی می تواند اثر بخش باشد چرا که نتایج نشان داد در علوم انسانی نیز مقداری تمرکز در برنامه ریزی درسی برای ایجاد چهارچوب و قاعده و جلوگیری از هرج و مرج نیاز است. لازم به ذکر است برنامه ریزی درسی به صورت نیمه تعاملی در گروه های علوم انسانی باید با لحاظ کردن مواردی همچون، غیر متمرکز کردن برخی عناصر برنامه درسی از جمله روش تدریس، انتخاب ابزار یادگیری، گروه بندی و فضا، در نظر گرفتن انعطاف پذیری در برنامه، استفاده از برنامه های درسی دانشگاه های معتبر جهان متناسب با شرایط و نیاز های کشور، انتخاب اعضاء نهادهای تصمیم گیر بر

اساس تخصص در رشته مربوطه و تدوین و تصویب برنامه در بازه زمانی معقول و منطقی به دلیل ضرورت اجتناب ناپذیر تغییرات سریع در محتوای رشته های علوم انسانی، صورت پذیرد.

منابع فارسی

ایمانی طالب آزاد، لیدا (1381). بررسی چگونگی اجرای آئین نامه واگذاری اختیارات برنامه ریزی درسی به دانشگاه ها در ده دانشگاه تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی

خسروی و همکاران (1392). واکاوی پذیرش نوآوری های برنامه درسی در نظام آموزش عالی (مطالعه موردی: آئین نامه بازنگری برنامه درسی دانشگاه های ایران)، فصلنامه روان شناسی، شماره بیست و هفتم، ص 68-85

دهقانی و همکاران (1389). تاملی بر تمرکز گرایی، تمرکز زدایی و بازگشت مجدد به تمرکزگرایی و بررسی دلالت های آن برای نظام برنامه درسی ایران: منظری جدید، مطالعات تربیتی و روان شناسی، شماره دوم، 165-184

سرمد، زهره و همکاران (1377). شاخص های کیفیت برنامه درسی در آموزش عالی، فصلنامه علوم انسانی دانشگاه الزهراء، شماره بیست و چهارم، ص 166-151

فتحی واجارگاه، کوروش (1386). ارزشیابی کیفیت برنامه درسی دانشگاهی (مورد برنامه درسی آموزش بزرگسالان)، فصلنامه مطالعات برنامه درسی، شماره پنجم، ص 1-26

کرمی، مرتضی و همکاران (1391). ساختار تصمیم گیری مطلوب در طراحی برنامه درسی آموزش عالی: دیدگاه متخصصان برنامه درسی و اعضاء هیئت علمی، پژوهش در برنامه ریزی درسی، شماره هفتم، ص 92-104

نورزاده، رضا و همکاران (1385). وضعیت سهم مشارکت دانشگاه ها در بازنگری برنامه درسی مصوب شورای عالی برنامه ریزی، فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی، شماره 4، ص 92-71

نیلی، محمد رضا و همکاران (1389). الزام ها و پیامدهای اجتماعی برنامه درسی پاسخگو در آموزش عالی مطالعه موردی: دانشگاه های دولتی اصفهان، جامعه شناسی کاربردی، شماره دوم، ص 57-76

منابع لاتین

Altbach, P . G . (1988). Comparative Studies in higher Education in : Postlethwaite : in (ed.) The Encyclopedidia of Comparative Education and National System of Education,pp.6-7

Gaff, G. jerry, ratcliff I. james and Associates (1996), Handbook of undergraduate curriculum. John Wiley publisher. ltd.

Tomukong , J . A (2004). Towards berrer management of public education in Cameron : The case for decenratization. Africa Development, XXIX , 134-157

Surf and download all data from SID.ir: www.SID.ir

Translate via STRS.ir: www.STRS.ir

Follow our scientific posts via our Blog: www.sid.ir/blog

Use our educational service (Courses, Workshops, Videos and etc.) via Workshop: www.sid.ir/workshop